

## چگونه پاپ خدای خردپور مسیحی را از زیر عباي خود بیرون آورد؟

گفتگویی با محسن مسرت، پژوهشگر مسائل خاورمیانه در باره سخنرانی شهر  
رگنزیبورگ پاپ و نزاع تمدنها و مذاهب

در هفته نامه فرایتاگ، 22 سپتامبر 2006  
<http://www.freitag.de/2006/38/06380301.php>  
بفارسی از حمید بهشتی

### روزنامه فرایتاگ - پیام اصلی سخنرانی اخیر بندیکت شانزدهم در چیست؟

محسن مسرت - لب کلام او در دو نکته می باشد: اولاً محمد، رسول خدا، اسلام را به زور شمشیر گسترش داد، در حالیکه در مقابل آن این امر القاء میشود - بدون اینکه پاپ صراحتاً گفته باشد - که مسیحیت بدون اعمال زور گسترش یافته است. در ثانی خدای مسیحیت که قیصر مسیحی روم شرقی مانوئل دوم بدان فکر می کرده، چنان که پاپ از وی نقل می کند، طرفدار خرد است. زیرا که این خدا خونریزی را دوست ندارد، در حالیکه خدای اسلام رسولش را به شمشیر مجهز و روانه جهانگشائی نمود.

### - به عبارت دیگر بیخود نیست که مسلمانها برانگیخته شده اند؟

- حد اقل آن اینست که بسیاری از علمای اسلام اینرا بمثابه اعلام جنگ تلقی کرده اند. در حقیقت پیام رگنزیبورگ پاپ می تواند به عنوان مشروعیت دادن واتیکان به نزاع تمدن های هانتینگتون تعبیر شود. البته این احتمال هست که پاپ خودش ملتفت نشده باشد، چگونه پیامی را بر زبان آورده است، که البته این خود برای مجموعه کلیسای کاتولیک بسیار ناپسند می باشد. حتا اگر عقب نشینی وی را جدی نیز بگیریم - با توجه به اینکه بر طبق اظهار وی آن متنی بوده است که از قرون وسطی گرفته شده است و وی آنرا فقط نقل کرده است - این بدین معناست که او اعتراف میکند سرسری کار کرده است.

- آیا این شباهت به همان الگوی دعوای کاریکاتور ندارد که در آغاز سال مطرح بود، که مسلمانهای متعصب بلافاصله با آن برخورد آشتی ناپذیر کردند؟ و برداشت حاصله اینست که آنها اصلاً منتظر یک چنین دستاویزی بوده اند.

- در حال حاضر جو موجود در جهان اسلام بسیار ملتهب است و این از زمانی است که پریزیدنت بوش و نیز اولمرت، نخست وزیر اسرائیل این رسالت را یافته اند که هر روز حملات لفظی به مسلمانها کرده و آنها را تحقیر نمایند. بوش از زمان حمله اسرائیل به لبنان و حزب الله مرتب از مبارزه میان دموکراسی و فاشیسم اسلامی دم می زند. و اکنون که پاپ نیز خدای خردپور مسیحی را در مقابل خدای خونریز اسلام قرار داده است، بدین هنگام دیگر مسلمانها که مورد تحقیر نیز قرار گرفته اند، احساس می کنند که در مقابل یک حرکت مشترک سیاست و دین غرب قرار دارند.

### - انگیزه پاپ چه می تواند باشد که بدینگونه نفت بر آتش می پاشد؟

- چنانکه از ظواهر امر بر میآید، بندیکت شانزدهم با سخنرانی رگنزیبورگش - فهمیده یا نفهمیده، بماند - بگونه ای حیرت انگیز به راه خطا رفته است. این سخن که مسیحیت ترکیبی از عقل و ایمان می باشد، به همان میزان مضحک است که یک فیزیکدان ادعا

نماید که نیروی جاذبه زمین و قانونمندی سقوط اشیاء ناشی از احساس و وضعیت روانی اشیاء در حال سقوط می باشند. به گمان من پاپ در سخنرانی رگنزبورگش فراموش کرده بود که آنجا در موقعیت پاپ، رهبر کلیسای کاتولیک، سخن می گوید و نه بعنوان یک پروفیسور دانشگاه. وی در حقیقت وظیفه اش دفاع از معنویت مسیحی است که نیاز مسیحیان می باشد و بالقوه مثبت است. منتهی حضرت ایشان با برداشتن گامی خارق العاده دین خود را در تمامی طول تاریخش آغشته به خردوری تعریف نمود و در این سخن نه تنها تاریخ را تحریف نموده، بلکه با استفاده از عبارات به ظاهر علمی کوشید گذشته خون آلود مسیحیت را به کلی به فراموشی بسپارد. و این با رویکرد صادقانه نسبت به تاریخ خویش مناسبت نداشته و به مسیحیت ضربه محکم می زند و آنهم به گونه ای که هیچ دین ستیزی تا کنون قادر به انجام آن نبوده است.

- **در واقع این گونه تحسین و تمجید خویش، باب میل مسیحیان ساده ایست که خود را فارغ از تعصب و خردگرا نیز می دانند.**

- اینهم یکی از انگیزه های پاپ است که شما پیش از این از من سؤال کردید. منتهی او با این سخن که شما مسیحی ها در مقایسه با سایرین همیشه خردگراتر بوده اید، یک گل به دروازه خود زده است. زیرا با این حرف، وی رفتار ریاگونه کلیسا را در قبال ناسیونال سوسیالیست ها نتیجه خردگرائی کلیسا معرفی می کند. و بدین گونه وی به همه مسیحیانی که کاملاً حساب خود را از فاشیسم جدا کرده اند، توهین می کند. کسی که تا این حد از تاریخ غافل بوده، نتواند رفتار اشتباه خویش را در گذشته ببیند، نهایتاً قابلیت دیالوگ با دیگران را نیز نخواهد داشت. او حتا با این طرز فکری از عهده گفتگوی درونی مسیحیت بین کاتولیک ها و پروتستانها نیز نمی تواند بر آید.

- **آیا چالش بوجود آمده با جامعه اسلامی خفیف تر میشود، اگر واتیکان رسماً اعلام می کرد که پاپ در رگنزبورگ فقط یک بحث خدشناسی را مطرح نموده و سخنرانی او جنبه سیاسی نداشته است؟**

- نه، فکر نمی کنم چنین باشد. زیرا این سخن دروغ محض می بود. زیرا بندیکت شانزدهم یک سخنرانی دقیقاً سیاسی ایراد کرده است. درست به همین دلیل نیز سیاستمداران در افکار عمومی از بیانات وی به شدت حمایت کرده اند، همان کسانی که برای قالب های مطروحه در باره اسلام و روسری زنان و برای کلیه ویژگی های زشتی که در فعالیت های انتخاباتی شان به مسلمانان و بیگانگان نسبت می دهند، در این سخنان پاپ تأییدیه یافته اند. بانی شعار عامیانه ی "خردسالان به جای هندیان" در شهر دوسلدرف نیز یک گام فراتر نهاد و برانگیختگی مسلمانها را که به پاپ انتقاد کرده اند، تجاوز به آزادی عقیده و ناشی از غرور بیجا خواند.

- **آیا منظور شما رئیس دولت ایالت NRW روتگر است؟**

- بله ، خود اوست. از سخنان او چنین می توان دریافت : توجه داشته باشید، حق با پاپ است و مسلمانها توان این را ندارند که قوائد دموکراسی را درک کنند.

- **اما در مقابل آن پاپ در حال عقب نشینی است.**

- تسلی متعاقب آن از جانب پاپ به همان میزان بد بود که سخنان وی ناجور بود.

- **به چه دلیل؟**

- زیرا عملاً گفته میشود، قصد پاپ توهین به مسلمانان و جریحه دار کردن احساسات آنها نبوده است. قصد او تنها اظهار حقیقت بوده ولی نمی توانسته حساب اینرا بکند

که مسلمانها تا این حد بی‌خردانه عکس‌العمل خواهند کرد. به همین گونه نیز تیتل صفحه اول روزنامه بیلد Bild در آغاز این هفته بدین مضمون بود: پاپ با موضعگیری خود در کاستل گاندولفو، احساسات برانگیخته مسلمانان را آرام نمود.

- **اگر من نظر شما را درست فهمیده باشم، برداشت شما از عکس‌العمل سیاستمداران آلمان، از جمله خانم نخست‌وزیر که به صراحت از پاپ حمایت کرد، در جهت تنش‌زدائی نبوده است. پس به نظر شما آنها چکار می‌بایست می‌کردند؟**

- به نظر من مصلحت در این بود که سیاستمداران خود را به این دعوا آلوده نکنند. زیرا در غیر اینصورت مجبور به جانبداری بوده و موجب فزونی تنش خواهند گشت.

- **آیا این پیام کلیسایی که از زبان ریاست کلیسای کاتولیک برخوایسته است، آغاز جنگ معنوی صلیبی است در مقابله با اسلام یا که این تعبیری افراطیست؟**

- نتیجه آن همین‌گونه است که شما گفتید. در این وضعیت باید روشنفکران و بیش از همه، رسانه‌ها گام به پیش نهند و بگونه کاملاً متفاوتی از آنچه تا کنون شده، عمل نمایند. گوئی هنوز روشنفکرانی که استقلال رأی دارند، ملتفت نشده‌اند که پاپ به همگی آنها توهین کرده است. آنها می‌بایست کاملاً احساس وظیفه داشته، کذبیات پاپ پیرامون صلح آمیز بودن مسیحیت را افشاء نمایند و یادآوری کنند که مظالم خشونت آمیز قرن بیستم و از جمله دو جنگ جهانی، از کشورهای مسیحی آغاز گشته، در نظر داشته باشند که این آمریکای مسیحی است که در حال حاضر در دو کشور اسلامی به جنگ پرداخته است و در حال آمادگی برای یک لشکرکشی جدیدیست علیه کشور اسلامی دیگری که ایران باشد.

- **شاید پذیرفتن یک چنین منطقی برای بسیاری از مردمان مشکل باشد، زیرا این را برایشان معادل دفاع از نظام‌های زورگویی خاورمیانه توجیه می‌کنند.**

- البته که چنین است. بسیاری از کشورهای اسلامی در زمینه دموکراسی و آزادی هنوز گام‌های بسیاری باید برداشته، و شاید در این رابطه نیم قرن عقب باشند. برای نمونه من نمی‌توانم روحانیت جمهوری اسلامی ایران را به همان شدتی که به پاپ انتقاد کردم، مورد انتقاد قرار دهم، بدون اینکه از وحشت بخود نلرزم. از سوی دیگر دموکراسی‌های غربی در زمینه صلح، بسیار عقب افتاده‌اند. زیرا بربریت قرون وسطائی گوئی هنوز در اینجا ریشه دوانده است. برداشت من اینست که دموکراسی‌های غربی نیازمند به عصر روشنگری در زمینه صلح می‌باشند.

- **ارزیابی شما از عکس‌العمل دولت ترکیه یا پارلمان پاکستان که سخنرانی پاپ را یکصد محکوم نمودند، چیست؟**

- به صراحت بگویم، برداشت من از این عکس‌العمل‌ها اینست که نسنجیده بوده و تا حدی هم متظاهرانه است. با اعلان این درخواست که پاپ می‌باید عذرخواهی نماید، به او که گفته‌اند احساس مسلمانها را جریحه دار ساخته، به وی حق داده‌اند. در حالیکه که اشتباهکاری اصلی پاپ در این بوده که او حقیقت را پنهان کرده و به بهانه اینکه با خردورزی قصد برقرار کردن دیالوگ را داشته است، می‌خواسته ادعای تنها نمایندگی و بیانگر حسنات و معقول بودن کلیسای کاتولیک را جا بیاندازد. مسلمانها و نمایندگانشان می‌بایست بجای اینگونه نحیف اعتراض کردن، خود معترض می‌شدند و به واتیکان پیشنهاد می‌دادند که کمیسیون مشترکی تشکیل دهند برای بررسی خشونت در تمامی ادیان و اعلان نمودن مرتب نتایج کار این کمیسیون به افکار

عمومي. اينگونه دپالوگ به هر دو طرف چالش کمک مي نمايد که هم براي خودشان موضوع را روشن کنند و هم براي ديگران و نيز به آنها اين امکان را خواهد داد که در اين زمينه گامهائي به پيش برداند.

**- آيا شما فکر مي کنيد که چالش بر سر سخنراني پاپ اثر مستقيمي بر فرايند درگيري هاي خاورميانه و خاور نزديک و از جمله بر مواضع ايران در رابطه با موضوع هسته اي داشته باشد؟**

- متاسفانه چنين انتظار مي رود. نزاع تمدن ها همواره زمينه ساز درگيري هائي بوده است، که در عرض ده سال اخير از جانب آمريکا آغاز گشته و بوش از 11 سپتامبر 2001 شديداً بدان دامن زده است. پاپ آلماني نسب بايد متوجه اين امر باشد که به عنوان پاپي که جنگ افروزي نموده، در تاريخ به ثبت نرسد. از دستاوردهاي پاپ لهستاني نسب اين بود که هر گونه جنگي را محکوم نمود و اينکار را درست پيش از آغاز جنگ عراق انجام داد.

**- آيا نزاع تمدن ها که در مقابل ما رخ مي دهد در حال اوجگيري است؟**

- من اميد دارم و باورم اينست که به ياري خرد ميتوان در مقابل ظاهرسازان مقاومت نموده از جنگ تمدن ها جلوگيري نمود. در اين ميان البته روشنفکران مسلمان و مسيحي وظيفه واسطگي و روشنگري را بايد بپذيرند. اگر رهبران مذهبي دو طرف فاقد توانائي لازم براي ايجاد آن کميسيون پيشنهادي باشند، اين وظيفه نيز بر عهده روشنفکران قرار مي گيرد.

مصاحبه گر: لوتس هردن Lutz Herden